

از انتظار جنگ خارجی تا سازمان‌دهی ملی غیرخشونت‌آمیز

یک مقاله علمی - راهبردی درباره مسیر اپوزیسیون برانداز ایران پس از سناریوی توافق ایالات
متحده و جمهوری اسلامی در ۲۴ مه ۲۰۲۶

تهیه شده برای: Mr Peyman Bakhshayesh, MD, PhD, MBA

Consultant Trauma & Orthopaedics | Clinical Lead for General Trauma

تاریخ: ۲۴ مه ۲۰۲۶

یادداشت روش‌شناختی: این متن سناریوی «توافق یا تمدید آتش‌بس» را به عنوان فرض تحلیلی بررسی می‌کند. برخی جزئیات گزارش شده درباره چارچوب توافق تا زمان نگارش هنوز نهایی یا رسماً منتشر نشده‌اند؛ بنابراین توصیه‌های راهبردی بر اصول عمومی گذار، مقاومت مدنی غیرخشونت‌آمیز، ائتلاف‌سازی و کاهش ریسک برای شهروندان استوار است، نه بر عملیات خشونت‌آمیز یا خرابکاری.

چکیده اجرایی

اگر فرض کنیم که ایالات متحده و جمهوری اسلامی پس از بحران نظامی و بحران تنگه هرمز به سمت تمديد آتش‌بس، بازگشایی مسیر انرژی و مذاکره مرحله‌ای حرکت کنند، آنگاه بخشی از اپوزیسیون که تمام امید خود را به فروپاشی نظام از طریق جنگ خارجی گره زده بود، با یک تغییر پارادایم روبه‌رو می‌شود. این تغییر به معنای پایان امکان گذار نیست؛ بلکه به معنای انتقال مرکز ثقل از میدان نظامی خارجی به میدان جامعه، اقتصاد، مشروعیت، اعتصاب مدنی، شبکه‌سازی اجتماعی و ائتلاف حداقلی است.

این مقاله استدلال می‌کند که در چنین شرایطی، شاهزاده رضا پهلوی همچنان می‌تواند نقش نمادین و فراگیر مهمی داشته باشد: نمایندگی سکولاردموکراسی، تمامیت ارضی، صندوق رأی، پلورالیسم سیاسی و پیوند میان ایران داخل و خارج. اما هیچ رهبری از بیرون کشور، به‌تنهایی و بدون سازمان‌های صنفی، مدنی، دانشجویی، زنان، معلمان، کارگران، بازاریان، بازنشستگان و شبکه‌های محلی، قادر به مدیریت یک انقلاب اجتماعی از پایین به بالا نیست. بنابراین راهبرد اصلی باید ترکیب رهبری نمادین با سازمان‌دهی افقی، ائتلافی و غیرخشونت‌آمیز باشد.

نتیجه راهبردی این است: اگر جنگ متوقف شود، اپوزیسیون باید از «روایت نجات توسط نیروی خارجی» به «ساخت ظرفیت ملی برای نافرمانی مدنی، اعتصاب‌های قانونی/غیرخشونت‌آمیز، بسیج صنفی، و برنامه انتقال دموکراتیک» عبور کند. این مقاله چارچوبی چندلایه برای چنین عبوری ارائه می‌دهد.

۱. زمینه ژئوپلیتیک: چرا توافق خارجی لزوماً به معنای تثبیت داخلی نیست؟

در ۲۴ مه ۲۰۲۶، گزارش‌های معتبر بین‌المللی از نزدیک بودن یک چارچوب آمریکا - ایران برای تمديد آتش‌بس، بازگشایی تنگه هرمز و مدیریت بحران انرژی سخن گفتند. خبرگزاری رویترز گزارش کرد که چارچوب پیشنهادی شامل تمديد آتش‌بس ۶۰ روزه، بازگشایی تنگه هرمز، امکان فروش نفت ایران، رفع برخی محدودیت‌ها و ادامه بحث درباره پرونده هسته‌ای است. آسوشیتدپرس نیز گزارش کرد که دولت ترامپ از «تا

حد زیادی مذاکره شدن» یک تفاهم سخن گفته، اگرچه همه جزئیات - به ویژه درباره برنامه هسته‌ای، غنی‌سازی و ذخایر اورانیوم با غنای بالا - هنوز قطعی نشده بود.

اهمیت این سناریو در آن است که دولت‌های غربی در ارزیابی ریسک خود تنها به سرنوشت جمهوری اسلامی نگاه نمی‌کنند؛ بلکه امنیت انرژی، کشتیرانی، تورم، قیمت سوخت، ثبات شرکای خلیج فارس، امنیت اسرائیل، و عدم گسترش جنگ منطقه‌ای را هم محاسبه می‌کنند. ایران از نظر جغرافیایی کشوری بزرگ با مساحت حدود ۱۶۴۸۲۱۹۵ کیلومتر مربع است و جمعیت آن در برآوردهای اخیر حدود ۹۰ میلیون نفر یا بیشتر گزارش شده است. چنین کشوری نه مانند یک حکومت کوچک قابل اشغال سریع است، نه مانند یک گروه شبه‌نظامی صرفاً با ضربه نظامی قابل حذف.

اما این واقعیت به معنای شکست‌ناپذیری سیاسی جمهوری اسلامی نیست. دولت‌ها ممکن است از نظر نظامی به سازش برسند، اما مشروعیت داخلی، توان اقتصادی، اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی و ظرفیت حکمرانی با امضای تفاهم‌نامه بازسازی نمی‌شود. اگر بحران اقتصادی، تورم، فساد، بی‌اعتمادی، سرکوب، نابرابری و شکاف دولت - ملت ادامه یابد، «توافق خارجی» فقط زمان می‌خرد؛ مشروعیت تولید نمی‌کند.

۲. تفکیک سه میدان: جنگ، دولت و جامعه

برای تحلیل دقیق باید سه میدان را از هم جدا کرد:

- میدان جنگ خارجی: محاسبات آمریکا، اسرائیل، کشورهای خلیج فارس، پاکستان، قطر، عمان و بازار انرژی.
- میدان دولت و حکومت: توان سرکوب، بوروکراسی، سپاه، نیروی انتظامی، دستگاه تبلیغات، شبکه‌های مذهبی و اقتصاد رانتی.
- میدان جامعه: کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، بازنشستگان، کسبه، اقوام، طبقات متوسط، حاشیه‌نشینان، و شبکه‌های دیاسپورا.

اشتباه راهبردی زمانی رخ می‌دهد که اپوزیسیون تصور کند شکست یا توافق در میدان جنگ، به‌طور خودکار سرنوشت میدان جامعه را تعیین می‌کند. تجربه انقلاب‌ها نشان می‌دهد که میدان جامعه قواعد خود را

دارد: سازمان، روایت، هزینه مشارکت، اعتماد میان گروه‌ها، ظرفیت تداوم، توان اعتصاب، و توان ایجاد بدیل سیاسی.

۳. جایگاه شاهزاده رضا پهلوی: سرمایه نمادین، نه جایگزین

سازمان اجتماعی

شاهزاده رضا پهلوی در سال‌های اخیر برای بخش مهمی از جامعه ایران و دیاسپورا به نماد سکولاردموکراسی، تمامیت ارضی، صندوق رأی و مخالفت با جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این سرمایه نمادین ارزشمند است، زیرا جنبش‌های گذار معمولاً به چهره‌هایی نیاز دارند که بتوانند افق سیاسی را ساده، قابل فهم و قابل اعتماد کنند. با این حال، سرمایه نمادین با ظرفیت سازمانی یکی نیست.

یک رهبر تبعیدی یا خارج از کشور، حتی اگر محبوب و دارای مشروعیت اخلاقی باشد، نمی‌تواند جای سازمان‌های صنفی، اتحادیه‌های مستقل، شوراهای محلی، شبکه‌های دانشجویی، انجمن‌های زنان، انجمن‌های معلمان و گروه‌های حقوقی را بگیرد. رهبر نمادین می‌تواند جهت بدهد، اعتماد ایجاد کند، تضادها را کاهش دهد و افق گذار را ترسیم کند؛ اما موتور اجتماعی گذار باید در داخل جامعه شکل بگیرد.

بنابراین راهبرد درست نه حذف رهبری نمادین است، نه انتظار معجزه از آن. راهبرد درست این است که «رهبری نمادین» با «سازمان‌دهی اجتماعی مستقل و غیرخشونت‌آمیز» پیوند بخورد. در این مدل، شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند نقش پرچم وحدت و ضامن رأی مردم را داشته باشد، اما تصمیم‌سازی عملی باید از دل جامعه، گروه‌های صنفی، و ائتلاف‌های محلی و ملی بیرون بیاید.

۴. درس‌های تطبیقی از انقلاب‌ها و گذارهای سیاسی

تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که انقلاب‌ها و گذارهای موفق معمولاً از ترکیب چند عامل شکل می‌گیرند: بحران مشروعیت حکومت، شکاف در نخبگان قدرت، بسیج اجتماعی پایدار، رهبری قابل اعتماد، روایت مشترک، و برنامه انتقال. هیچ‌کدام از این عوامل به‌تنهایی کافی نیستند.

نمونه تاریخی	عامل موفقیت	خطای رایج	درس برای ایران	سطح کاربرد
لهستان و همبستگی	پیوند کارگران، کلیسا، روشنفکران و مذاکره سیاسی	وابستگی به اعتراض خیابانی صرف	اعتصاب صنفی وقتی مؤثر است که شبکه اعتماد و نمایندگی داشته باشد	بالا
آفریقای جنوبی	ائتلاف گسترده، فشار داخلی و خارجی، رهبری مذاکره‌کننده	انتقام‌جویی کور پس از گذار	گذار باید با برنامه آشتی، عدالت و انتخابات همراه شود	بالا
چکسلواکی ۱۹۸۹	اعتراض مدنی، اعتصاب عمومی نمادین، شکاف در حکومت	نبود آمادگی نهادی برای پس از پیروزی	اپوزیسیون باید قبل از لحظه پیروزی، طرح اداره موقت داشته باشد	متوسط
رومانی ۱۹۸۹	فروپاشی سریع و خشونت‌آمیز رأس قدرت	توهم اینکه خشونت گذار را پاک‌تر می‌کند	خشونت، خلأ قدرت و بازتولید نیروهای امنیتی را تقویت می‌کند	هشدار
بهار عربی	انفجار خیابانی و سقوط سریع برخی حکومت‌ها	نبود ائتلاف پس‌اسقوط و ضعف نهادهای دموکراتیک	سقوط حکومت بدون برنامه انتقال می‌تواند به هرج‌ومرج یا بازگشت اقتدارگرایی منجر شود	بسیار بالا
انقلاب ۱۳۵۷ ایران	ائتلاف منفی علیه حکومت وقت	نبود توافق حداقلی بر سر قانون اساسی و حقوق اقلیت‌ها	ائتلاف صرفاً سلبی کافی نیست؛ باید منشور حداقلی و سازوکار انتخابات داشته باشد	بسیار بالا

۵. نظریه مقاومت مدنی: چرا عدم خشونت یک انتخاب اخلاقی و

راهبردی است؟

پژوهش‌های کلاسیک جین شارپ و مطالعات تجربی اریکا چنووت و ماریا استفان نشان داده‌اند که مقاومت مدنی غیرخشونت‌آمیز، در بسیاری از موارد، از مقاومت مسلحانه ظرفیت مشارکت گسترده‌تری ایجاد می‌کند. علت ساده است: زنان، سالمندان، دانشجویان، کارمندان، بازاریان، معلمان، کارگران و اقشار متوسط معمولاً در مبارزه مسلحانه مشارکت نمی‌کنند، اما می‌توانند در اعتراض مدنی، اعتصاب صنفی، تحریم، امتناع از همکاری، شبکه اطلاع‌رسانی و حمایت از زندانیان سیاسی نقش داشته باشند.

نکته کلیدی این است که مقاومت مدنی موفق، «خودجوشی دائمی» نیست؛ بلکه نیازمند نظم، پیام واحد، رعایت امنیت شهروندان، پرهیز از تحریک خشونت، مراقبت از نفوذ و خرابکاری، و حفظ مشروعیت اخلاقی است. هرچه رژیم تلاش کند اپوزیسیون را خشونت‌طلب، تجزیه‌طلب یا وابسته نشان دهد، راهبرد غیرخشونت‌آمیز و ملی می‌تواند این تبلیغات را خنثی کند.

۶. راهبرد پس از سناریوی توافق: از شوک سیاسی تا بازآرایی

اپوزیسیون

اگر توافق آمریکا و جمهوری اسلامی تثبیت شود، اپوزیسیون نباید آن را پایان فرصت بداند. برعکس، هر توافقی که اینترنت، رفت‌وآمد، اقتصاد، دانشگاه‌ها، مدارس، بنادر، بانک‌ها یا مسیرهای ارتباطی را به «حالت عادی» برگرداند، امکان سازمان‌دهی مدنی را افزایش می‌دهد. رژیمی که برای بقای بین‌المللی مجبور به عادی‌سازی نسبی است، همزمان در داخل کشور با توقعات بالاتر مردم روبه‌رو می‌شود.

راهبرد پیشنهادی در پنج محور خلاصه می‌شود:

- ائتلاف حداقلی: توافق بر سر سکولاردموکراسی، تمامیت ارضی، انتخابات آزاد، حقوق برابر شهروندی، و حق مردم برای انتخاب شکل نهایی حکومت.

- تقسیم کار میان داخل و خارج: خارج کشور باید رسانه، لابی، مستندسازی، حمایت حقوقی و انتقال تجربه فراهم کند؛ داخل کشور باید اولویت‌ها و ریتم واقعی جامعه را تعیین کند.
- سازمان‌دهی صنفی و مدنی: تمرکز بر حقوق کار، دستمزد، بازنشستگی، آموزش، اینترنت، آزادی زندانیان، حقوق زنان و امنیت اقتصادی؛ نه شعارهای انتزاعی جدا از زندگی روزمره.
- کاهش هزینه مشارکت: شکل‌های کم‌خطرتر نافرمانی مدنی، حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده، صندوق‌های شفاف کمکرسانی، و حفاظت حقوقی و رسانه‌ای.
- برنامه انتقال: اپوزیسیون باید نشان دهد فردای فروپاشی، کشور چگونه اداره می‌شود؛ امنیت، خدمات عمومی، حقوق اقلیت‌ها، انتخابات، دادگستری، و کنترل خشونت چگونه تضمین می‌شود.

۷. اعتصاب‌ها: ابزار فشار اجتماعی، نه جایگزین سیاست

اعتصاب‌های کارگری، صنفی و آموزشی می‌توانند فشار بسیار بزرگی بر یک حکومت اقتدارگرا وارد کنند، به‌ویژه وقتی بخش‌هایی مانند نفت، حمل‌ونقل، آموزش، بازار، خدمات شهری و دانشگاه‌ها درگیر شوند. اما اعتصاب فقط زمانی پایدار می‌شود که مطالبات روشن، زمان‌بندی واقع‌بینانه، پشتیبانی اجتماعی، حمایت مالی، حمایت حقوقی و روایت عمومی داشته باشد. اعتصاب بدون شبکه اعتماد می‌تواند به فرسایش، سرکوب، یا ناامیدی منجر شود.

از منظر راهبردی، اعتصاب باید حول مطالبات قابل دفاع و عمومی شکل بگیرد: دستمزد عادلانه، امنیت شغلی، حق تشکل مستقل، آزادی معلمان و کارگران بازداشت‌شده، حق اینترنت آزاد، حق آموزش، حق درمان، و حق رأی آزاد. چنین مطالباتی، هم طبقات مختلف را به هم وصل می‌کند و هم مشروعیت اخلاقی جنبش را بالا می‌برد.

مهم است تأکید شود که این مقاله از خرابکاری، حمله، خشونت یا آسیب به شهروندان و زیرساخت‌های حیاتی دفاع نمی‌کند. هدف، فشار مدنی و سیاسی غیرخشونت‌آمیز برای گذار دموکراتیک است، نه ایجاد رنج بیشتر برای مردم.

۸. مسئله اپوزیسیون: از منیت سیاسی به منشور حداقلی

یکی از بزرگ‌ترین موانع گذار در ایران، نه فقط قدرت جمهوری اسلامی، بلکه پراکندگی، بی‌اعتمادی و خودمحوری در اپوزیسیون است. اپوزیسیون برانداز از سلطنت‌طلبان، جمهوری‌خواهان سکولار، سوسیال‌دموکرات‌ها، لیبرال‌ها، ملی‌گرایان، فعالان زنان، فعالان کارگری، فعالان قومی، دانشجویان و گروه‌های حقوق بشری تشکیل شده است. هیچ‌کدام به‌تنهایی قادر به ساختن اکثریت ملی نیستند.

بنابراین باید از ائتلاف حداکثری ایدئولوژیک به منشور حداقلی عبور کرد. منشور حداقلی به این معناست که گروه‌ها درباره همه چیز توافق ندارند، اما درباره چند اصل بنیادین همکاری می‌کنند: پایان حکومت دینی، حفظ تمامیت ارضی، انتخابات آزاد، آزادی احزاب، استقلال قوه قضائیه، برابری زن و مرد، حقوق اقلیت‌ها، و حق مردم برای انتخاب شکل نهایی نظام سیاسی.

۹. ماتریس تصمیم‌گیری راهبردی

سناریو	فرصت	ریسک	پاسخ پیشنهادی
توافق خارجی تثبیت می‌شود	کاهش جنگ، بازگشت ارتباطات، گشایش نسبی اقتصادی	بازسازی مشروعیت خارجی رژیم	تمرکز بر مشروعیت داخلی، حقوق صنفی، مستندسازی سرکوب، ائتلاف حداقلی
توافق شکست می‌خورد	افزایش بحران حکومت و شکاف نخبگان	جنگ، سرکوب، رنج عمومی، ملی‌گرایی حکومتی	حفظ خط غیرخشونت‌آمیز، دفاع از مردم، عدم افتادن در دام جنگ‌طلبی
اینترنت بازتر می‌شود	ارتباط‌گیری، آموزش مدنی، شبکه‌سازی	نفوذ، شناسایی، جنگ روانی	آموزش سواد رسانه‌ای، پیام واحد، پرهیز از افشای افراد داخل کشور

سناریو	فرصت	ریسک	پاسخ پیشنهادی
اعتراضات صنفی گسترش می‌یابد	پیوند نان، آزادی و کرامت	سرکوب و خستگی اجتماعی	پشتیبانی حقوقی، مالی، رسانه‌ای و مطالبات قابل دفاع
اختلاف اپوزیسیون بالا می‌گیرد	فرصت بازتعریف رهبری جمعی	فرسایش اعتماد عمومی	منشور حداقلی، داوری مستقل، شفافیت مالی و رسانه‌ای

۱۰. برنامه ۹۰ روزه پیشنهادی برای اپوزیسیون برانداز

این برنامه عملیاتی به صورت کلان و غیرخوشونت‌آمیز طراحی شده و هدف آن ایجاد ظرفیت سیاسی، نه دستورالعمل پنهانی یا پرخطر، است.

مرحله اول: ۳۰ روز نخست . بازتعریف روایت

- بیانیه مشترک درباره اینکه توافق خارجی مشروعیت داخلی تولید نمی‌کند.
- تأکید بر سکولاردموکراسی، صندوق رأی، تمامیت ارضی و حقوق برابر.
- پرهیز از زبان انتقام و حذف؛ تمرکز بر نجات کشور و کوتاه کردن رنج مردم.

مرحله دوم: روزهای ۳۰ تا ۶۰ . ائتلاف و شبکه‌سازی

- تشکیل کارگروه‌های علنی در حوزه کارگری، معلمان، دانشجویان، زنان، حقوق بشر، اقتصاد و انتقال.
- تدوین منشور حداقلی مشترک با امضای طیف‌های مختلف.
- هماهنگی دیاسپورا برای حمایت رسانه‌ای و حقوقی از داخل، بدون ادعای فرماندهی از بیرون.

مرحله سوم: روزهای ۶۰ تا ۹۰ . برنامه انتقال و فشار مدنی

- انتشار طرح دولت موقت یا شورای انتقال با حدود اختیارات محدود و زمان‌بندی انتخابات.

- تدوین بسته عدالت انتقالی: عفو مشروط برای نیروهای غیرجنایتکار، محاکمه عادلانه عاملان سرکوب، حفظ خدمات عمومی.

- تقویت مطالبات صنفی و مدنی با پیام مشترک: نان، آزادی، کرامت، انتخابات آزاد.

۱۱. نتیجه‌گیری: انقلاب به مثابه سازمان، نه انفجار صرف

سناریوی توافق ترامپ و جمهوری اسلامی، اگر تثبیت شود، برای بسیاری از ایرانیان ناامیدکننده خواهد بود؛ زیرا انتظار داشتند ضربه خارجی مسیر سقوط رژیم را کوتاه کند. اما تجربه تاریخ نشان می‌دهد که حکومت‌ها فقط با حمله نظامی یا فشار خارجی نمی‌افتند؛ آنها زمانی فرو می‌ریزند که جامعه بتواند به صورت پایدار، گسترده، غیرخشونت‌آمیز و سازمان‌یافته، هزینه حکمرانی غیرمشروع را بالا ببرد و همزمان بدیل سیاسی قابل اعتماد ارائه دهد.

ایران امروز به رهبری نمادین نیاز دارد، اما بیش از آن به سازمان اجتماعی، ائتلاف حداقلی، نظم اخلاقی، پرهیز از خشونت، و برنامه روشن برای فردای گذار نیازمند است. شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند پرچم وحدت و صدای صندوق رأی باشد، اما موتور انقلاب باید در کارخانه، دانشگاه، مدرسه، محله، بازار، خانواده، شبکه‌های زنان، معلمان، کارگران، بازنشستگان و دیاسپورای مسئول روشن شود.

اگر اپوزیسیون از خودمحوری عبور کند و بر حداقل‌های ملی توافق کند، توافق خارجی نه پایان مبارزه، بلکه آغاز مرحله بالغ‌تر آن خواهد بود: مرحله‌ای که در آن جامعه ایران خود را از انتظار بیرونی رها کرده و ظرفیت داخلی گذار را می‌سازد.

منابع منتخب

Associated Press. (2026, May 24). Trump says a deal with Iran and opening of Strait of Hormuz are “largely negotiated.”

Reuters. (2026, May 24). Trump says Iran deal is “largely negotiated,” would reopen Strait of Hormuz.

Reuters. (2026, May 24). Axios says proposed US-Iran deal involves opening strait during 60-day ceasefire extension.

The Guardian. (2026, May 24). What may be included in proposed Iran ceasefire deal?

UK House of Commons Library. (2026, April 24). US-Iran ceasefire and nuclear talks in 2026.

World Bank. Population, total - Iran, Islamic Rep. World Development Indicators.

OpenFactBook. Iran country profile: area, population, geography and economy.

Chenoweth, E., & Stephan, M. J. (2011). *Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict*. Columbia University Press.

Chenoweth, E., & Stephan, M. J. (2008). *Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict*. *International Security*, 33(1), 7-44.

Sharp, G. (1973). *The Politics of Nonviolent Action*. Porter Sargent.

Nepstad, S. E. (2011). *Nonviolent Revolutions: Civil Resistance in the Late 20th Century*. Oxford University Press.

Goldstone, J. A. (2014). *Revolutions: A Very Short Introduction*. Oxford University Press.

Kuran, T. (1991). Now out of Never: The Element of Surprise in the East European Revolution of 1989. *World Politics*, 44(1), 7-48.

Tilly, C. (2004). *Social Movements, 1768-2004*. Paradigm Publishers.

Levitsky, S., & Way, L. A. (2010). *Competitive Authoritarianism*. Cambridge University Press.